

اولاً چین تمایلی به حمایت صریح از اقدامات ائتلاف ضد تروریستی به رهبری امریکا نداشت تا خود را در معرض خصومت نیروهای بنیادگرا قرار ندهد. ثانیاً مقامات چین منتظر بودند ببینند پس از خروج نیروهای ناتوا از افغانستان کدام گروه‌ها در صحنه سیاست افغانستان نقش کلیدی را ایفا خواهند کرد (داونز ۲۰۱۲، ۷۰).
ثالثاً آنها روی سرمایه‌گذاری کلان اقتصادی متمرکز شدند تا برای دولت‌ها منابع متقابل را به ارمغان بیاورد

عاری از تروریسم باشد می‌ایستد.

برای جمهوری خلق چین موضوع امنیت افغانستان در چهارچوب ساختارهای همکاری‌های منطقه‌ای و مجراهای مشورتی اهمیت دارد. در سال ۱۹۹۶ زمانی که طالبان قدرت را در افغانستان به دست گرفتند گروه موسوم به پنج شانگهای شامل چین، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان ایجاد شد. یکی از مهم‌ترین دلایل ایجاد این گروه تهدید رژیم اسلام‌گرای افغانستان بود. در سال‌های بعد این کشورها در بیانیه‌های مشترک خود نگرانی عمیق‌شان را درباره وضعیت افغانستان، بویژه حمایت طالبان از القاعده ابراز کردند. در ۱۵ ژوئن سال ۲۰۰۱ همکاری کشورها از طریق تأسیس سازمان همکاری شانگهای (SCO) در اجلاس سران شانگهای نهادینه شد. کشورهای همسایه افغانستان - ازبکستان (۲۰۰۱)، پاکستان (۲۰۱۷) و هند (۲۰۱۷). نیز به این سازمان پیوستند. در سازمان همکاری شانگهای (SCO) چندین کنوانسیون (پیمان‌نامه) امنیتی تدوین شده‌اند. در اجلاس افتتاحیه در سال ۲۰۰۱، کشورهای عضو کنوانسیون شانگهای درباره مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و افراط‌گرایی (کنوانسیون شانگهای سال ۲۰۰۱) را امضا کردند که در ۲۹ مارس سال ۲۰۰۳ به طور رسمی لازم‌الاجرا شد. در سال بعد در ۱۷ ژوئن سال ۲۰۰۴ یک کنوانسیون دائمی سازمان همکاری شانگهای به نام ساختار منطقه‌ای ضد تروریسم (RATS) در تاشکند تأسیس شد. این کنوانسیون بر مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و افراط‌گرایی تمرکز دارد و نیز به عنوان یک پلتفرم (سکویی) برای مبادله اطلاعات بین سازمان همکاری شانگهای و افراد درگیر با تروریسم عمل می‌کند. حتی تبدیل سازمان همکاری شانگهای به یک اتحاد نظامی نیز مد نظر قرار گرفت. با این حال زمانی که هند و پاکستان درگیر با یکدیگر به عضویت کامل این سازمان درآمدند، این احتمال بسیار کمتر شد. شایان ذکر است که غیر از جمهوری خلق چین این کشورها بیشترین تأثیر را در بین کشورهای آسیایی بر وضعیت افغانستان دارند. سازمان همکاری شانگهای در قبال افغانستان سیاستی متفاوت با ناتو را در پیش گرفت. این سازمان از نظر نظامی درگیر نشد، بلکه روی فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و بشردوستانه‌ای که به تقویت روند صلح کمک می‌کرد متمرکز شد. علاوه بر این سازمان بر نقش رهبری سازمان ملل متحد در افغانستان در تمام حوزه‌های اجرایی تأکید کرد. اعضای سازمان همکاری شانگهای طرفدار یک افغانستان عاری از تروریست و بی‌طرف هستند که مردم آن بتوانند خودشان رژیم‌شان را انتخاب و روابط مناسبی را با همسایگان‌شان برقرار کنند. در سال ۲۰۰۶ سازمان همکاری شانگهای یک گروه تماس ویژه را ایجاد کرد که در زمینه مسائل امنیتی ورشد و توسعه با مقامات افغانستان مشورت می‌کرد. در مارس سال ۲۰۰۹ همایش ویژه سازمان شانگهای درباره افغانستان در مسکو برگزار شد، جایی که برنامه اقدام عملی سازمان همکاری شانگهای - افغانستان که خواستار عملیات مشترک برای مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان یافته، از جمله قاچاق مواد مخدر بود تدوین شد (ژورل سیک، نیچاراپوا ۲۰۲۰، ۱۶۸). در نشست سران سازمان همکاری شانگهای در پکن در ۶ ژوئن سال ۲۰۱۲ به افغانستان عنوان ناظر در این سازمان اعطا شد. عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای پس از استقرار ثبات در افغانستان امکان‌پذیر بود. بی‌ثباتی فزاینده در افغانستان بدین معنا بود که کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای اقدامات بسیار فعالانه‌تری را برای تقویت نیروهای امنیتی افغانستان و مقابله با تروریسم و قاچاق